

رابطه حقوقی

دیوان کیفری بین المللی

با شورای امنیت سازمان ملل متحد

تألیف:

دکتر امیرحسین رهگشا

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه آزاد شیراز



مجمع علمی و فرهنگی مجد

عنوان و نام پدیدآور	رابطه حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی با شورای امنیت سازمان ملل متحد/ مولف امیرحسین رهگشا
مشخصات نشر:	تهران، مجد، ۱۳۹۳.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۱۴۹-۹
موضوع	دیوان بین‌المللی کیفری
موضوع	سازمان ملل متحد، شورای امنیت
رده‌بندی کنگره	KZ۶۳۱۰/۹۳۲ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیوبی	۳۴۵/۱
شماره کتابشناسی ملی	۳۲۶۵۵۲۷

هرگونه کثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخلف را به دفتر مرکزی مجد گزارش فرمایید.

رابطه حقوقی دیوان کیفری بین‌المللی با شورای امنیت سازمان ملل متحد

تألیف: دکتر امیرحسین رهگشا

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۳ تعداد: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و منحصر به «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، خیابان وحید نظری، تقاطع خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۱۲۰۷۸ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۱۴۹-۹

ISBN: 978-600-193-149-9

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردبیهشت: خیابان اردبیهشت (منبری جاوید)، تقاطع شهدای ژاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

شعبه یزد: خیابان فرخی یزدی، مجتمع تجاری شقایق، طبقه هم کف - تلفن: ۰۳۵۱ ۶۲۶۸۶۷۰

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۳۰۰۰۸۷۷۶۷۷

فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور به طور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۲۱	کلیات
۴۵	فصل نخست: شورای امنیت و دیوان کیفری بین‌المللی در امر قضا
۵۵	مبحث اول: ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت
۶۲	گفتار اول: مبنای حقوقی اختیار ارجاع وضعیت
۶۸	۱- فلسفه وجودی بند (ب) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان
۷۴	۲- رابطه بند (ب) ماده ۱۳ با فصل ۷ منشور ملل متحد
۷۷	الف- تهدید بر صلح و امنیت بین‌المللی
۷۸	ب- نقض صلح و امنیت بین‌المللی
۸۰	ج- اعمال تجاوزکارانه
۸۱	گفتار دوم: ماهیت حقوقی ارجاع شورای امنیت
۸۲	۱- سرشت شورای امنیت
۸۲	الف- سرشت حقوقی
۸۴	ب- سرشت سیاسی
۸۶	ج- فقد ارکان کنترل‌کننده شورای امنیت
۸۸	۲- اختیارات شورای امنیت بر اساس دکترین‌های صلاحیتی
۸۸	الف- دکترین قانون اساسی بودن منشور
۸۹	ب- دکترین اختیارات ضمنی شورای امنیت
۹۰	ج- دکترین اختیارات غیرمصرح شورای امنیت
۹۰	۳- رابطه دکترین‌های صلاحیتی شورا و گسترش صلاحیت قضایی دیوان
	الف- امکان گسترش صلاحیت قضایی دیوان از جانب شورا بر مبنای
۹۲	اساسنامه
	ب- عدم امکان گسترش صلاحیت قضایی دیوان از جانب شورا بر
۹۵	اساس فصل هفتم منشور

- ج- نقش شورای امنیت در نفی بی کیفری ۱۰۰
- گفتار سوم: شرایط ارجاع شورای امنیت ۱۰۳
- ۱- وجود وضعیت ۱۰۳
- ۲- انطباق ارجاع با فصل هفتم منشور ۱۰۵
- الف- اختیارات موضوع ماده ۳۹ منشور ملل متحد ۱۰۷
- ب- ضمانت اجراهای موضوع مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد ۱۰۹
- ۳- انطباق ارجاع با مقررات اساسنامه ۱۱۳
- الف- ارتباط دیوان و شورای امنیت از منظر صلاحیت ۱۱۶
- ۱- صلاحیت ذاتی یا موضوعی ۱۱۸
- ۲- صلاحیت زمانی ۱۱۸
- ۳- صلاحیت مکانی ۱۲۴
- ب- آیین رسیدگی به وضعیت ارجاعی از سوی شورا ۱۲۶
- مبحث دوم: تعلیق تحقیق و تعلیق به درخواست شورای امنیت ۱۲۹
- گفتار اول: مبنا و شرایط اختیار تعلیق ۱۳۳
- ۱- بررسی ماده ۱۶ اساسنامه دیوان ۱۳۵
- الف- صدور قطعنامه و ابلاغ آن به دیوان ۱۳۶
- ب- انطباق تعلیق با فصل هفتم منشور ۱۳۷
- ۲- ایرادات ماده ۱۶ اساسنامه ۱۴۰
- گفتار دوم: آیین رسیدگی در مورد درخواست تعلیق ۱۴۵
- مبحث سوم: نقش شورای امنیت در تأخیر تعریف و تحقق شرایط جنایت تجاوز ۱۴۹
- گفتار اول: جنایت تجاوز از نورمبرگ تا کنفرانس کامپالا ۱۵۳
- ۱- دادگاه نورمبرگ ۱۵۶
- ۲- فصل هفتم منشور ملل متحد ۱۵۸
- ۳- قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۶۲
- ۴- پیش نویس قانون جرایم علیه صلح و امنیت بشری ۱۶۴
- ۵- اساسنامه دیوان ۱۶۵

- ۶- وضعیت جنایت تجاوز در پیشنهادات گروکاری ویژه ۱۶۸
- ۷- آخرین وضعیت جنایت تجاوز در کنفرانس بازنگری کامپالا (۲۰۱۱) ۱۷۴
- ۸- دلایل رد نقش شورا در تعریف و تعیین تجاوز ۱۷۹
- گفتار دوم: استقلال قضایی دیوان در احراز جنایت تجاوز ارجاعی از سوی شورای امنیت ۱۸۳
- گفتار سوم: نقش شورای امنیت در تسهیل همکاری بین المللی، معاضدت قضایی و اجرای احکام دیوان ۱۹۱
- ۱- مبنای حقوقی تعهد به همکاری دولتها با دیوان و نقش شورای امنیت ۱۹۵
- ۲- استتکاف دولت‌های عضو و غیرعضو اساسنامه ۱۹۷
- الف- تعهد کلی دولتهای عضو برای همکاری با دیوان ۱۹۷
- ب- عدم همکاری دولت‌های غیرعضو اساسنامه ۱۹۹

فصل دوم: آثار تعامل قضایی شورای امنیت و دیوان در استقلال قضایی

- دیوان ۲۰۳
- مبحث اول: تقارن صلاحیت دیوان کیفری بین المللی و شورای امنیت ۲۱۱
- گفتار اول: استقلال قضایی دیوان در قبال ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت ۲۱۵
- ۱- قابلیت پذیرش وضعیت ارجاعی از سوی شورا توسط دیوان ۲۲۱
- ۲- شورای امنیت و ارجاع وضعیت کشورهای غیر عضو ۲۲۶
- الف- ارجاع وضعیت دارفور (قطعنامه ۱۵۹۳ سال ۲۰۰۵) ۲۲۹
- ب- ریشه های بحران سودان ۲۲۹
- ۳- نقش شورای امنیت در بحران دارفور ۲۳۱
- ۴- قطعنامه ۱۵۹۳ (۳۱ مارس ۲۰۰۵) در ارجاع وضعیت دارفور ۲۳۳
- الف- ارزیابی ارجاع وضعیت دارفور ۲۳۶
- ب- اهمیت ارجاع وضعیت دارفور ۲۴۲
- ج- بررسی حکم جلب عمر البشير ۲۴۴

- ۵- ارجاع وضعیت جماهیر عربی لیبی (قطعهنامه ۱۹۷۰، مورخ ۲۶ فوریه ۲۰۱۱): ۲۴۹
- گفتار دوم: محدودیت درخواست شورای امنیت در جلوگیری از رسیدگی دیوان ۲۵۱
- ۱- توقف رسیدگی در دیوان و شرایط آن ۲۵۵
- ۲- خودداری از شروع رسیدگی و شرایط آن ۲۵۶
- ۳- ارزیابی قطعهنامه ۱۴۲۲ سال ۲۰۰۲ ۲۵۸
- الف- از دیدگاه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۲۶۱
- ب- از دیدگاه منشور ملل متحد و حقوق معاهدات ۲۶۳
- ۴- استناداردهای دوگانه شورای امنیت در تصویب قطعهنامه های ۱۴۲۲ و ۱۵۹۳ ۲۶۳
- گفتار سوم: سرنوشت تصمیمات قضایی دیوان در صورت مخالفت شورای امنیت و حدود دخالت مجمع عمومی دیوان ۲۶۷
- مبحث دوم: نتایج دخالت شورای امنیت در اجرای عدالت کیفری در دیوان ۲۷۱
- گفتار اول: مفاهیم عدالت کیفری بین المللی و صلح و امنیت بین المللی ... ۲۷۴
- ۱- مفهوم عدالت کیفری بین المللی ۲۷۶
- ۲- مفهوم صلح بین المللی ۲۸۷
- ۳- مفهوم امنیت بین المللی ۲۹۱
- گفتار دوم: ارتباط عدالت کیفری بین المللی با صلح و امنیت بین المللی ... ۲۹۴
- ۱- ارتباط عدالت کیفری با نظم عمومی بین المللی ۳۰۴
- ۲- ارتباط عدالت کیفری بین المللی با عدالت کیفری ملی ۳۰۹
- گفتار سوم: آثار مداخله شورای امنیت در خصوص جنایت تجاوز در اجرای عدالت کیفری ۳۱۳
- نتیجه گیری ۳۱۹
- منابع ۳۳۳

مقدمه

پنجاه سال^۱ بعد از محاکمات نورمبرگ و توکیو، ۱۲۰ دولت در رُم ایتالیا، در باب ایجاد یک دیوان^۲ کیفری بین‌المللی^۳ توافق کردند. بدینسان رؤیای دیرین

۱- جریان تشکیل ICC، ۵۰ سال طول کشید، از اولین باری که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل را مسئول کود که راجع به ایجاد یک دادگاه کیفری بین‌المللی مطالعاتی بکند ۵۰ سال طول کشید تا این ایده جامه‌ی عمل به خود پیوشد. نقل از: میرمحمدصادقی، دکتر حسین (۱۳۸۷) بی کیفری ناشی از خलाهاى موجود در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی در مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با بی کیفری، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، چاپ اول، ص ۹۵.

۲- ترجمه کلمه "Court" به «دیوان»، مناسب‌تر از «دادگاه» است زیرا: ۱- دیوان در ادبیات حقوقی فارسی چیزی بیش از یک دادگاه معین را به ذهن متبادر می‌نماید و معمولاً شامل مجموعه‌ای بیش از شعب عادی است (مثل دیوان عالی کشور که شامل دادسرا نیز می‌شود)، دیوان کیفری بین‌المللی نیز دارای تشکیلات اداری و همچنین دادسرا و شعب بدوی و تجدید نظر و غیره است. ۲- دیوان ناظر به مراجع عالی است، خواه در حقوق داخلی مثل دیوان عالی کشور یا دیوان عدالت اداری یا حقوق بین‌المللی مثل دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) که به آن هم دیوان گفته‌اند. نقل از زیرنویس آقای دکتر محمدجواد شریعت باقری در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱. در مقابل عده‌ای دیگر از جمله آقای دکتر حسین میرمحمدصادقی کلمه «دادگاه» را مناسب‌تر از «دیوان» می‌دانند. بنظر ایشان ICC عین یک دادگاه کیفری عمل می‌کند و دارای دادسرا نیز هست.

۳- در خصوص اینکه کاربرد «دیوان کیفری بین‌المللی» صحیح‌تر است یا «دیوان بین‌المللی کیفری» دو دسته نظریه وجود دارد. آقای دکتر حسن‌پور باقرانی در کتاب حقوق جزای بین‌الملل خود در صفحه ۱۶۳ آن، چاپ اول، نشر جنگل، معتقد است که استفاده از اصطلاح «دیوان بین‌المللی کیفری» در مورد این دیوان، مرجع بر استفاده از اصطلاح دیوان کیفری بین‌المللی است. آقای دکتر سید علی آرمایش نیز در مصاحبه حضوری با ایشان همین نظر را دارند. زیرا معتقد است که اصطلاح حقوق کیفری بین‌المللی در خصوص توسعه صلاحیت دادگاههای داخلی یک کشور در مواقعی که به تعقیب جرمی که یک عنصر خارجی در آن دخیل است می‌پردازند، قابل صدق است. لذا همانگونه که دو اصطلاح حقوق بین‌المللی کیفری و حقوق کیفری بین‌المللی از همدیگر مجزایند، و اولی از شاخه‌های حقوق بین‌المللی و دومی از شاخه‌های حقوق کیفری داخلی است، بایستی در مورد دیوان نیز اصطلاح دیوان بین‌المللی کیفری را بکار برد. بعلاوه بنظر می‌رسد بین المللی بودن این تأسیس مقدم بر کیفری بودن آن می‌باشد. در مقابل عده‌ای دیگر اصطلاح دیوان کیفری بین‌المللی را بکار می‌برند. آقای دکتر سید باقر میرعباسی در ترجمه‌ی کتاب آقای ویلیام اشت، عنوان آن را مقدمه‌ای بر «دیوان کیفری بین‌المللی» ترجمه نموده است. آقای دکتر حسین میر محمدصادقی در کتاب خود و در عنوان آن «دادگاه کیفری بین‌المللی» (نشر دادگستر، چاپ دوم ۱۳۸۷) را بکار برده است. آقای دکتر محمد علی مهدوی ثابت نیز همین عنوان را پیشنهاد

عدالت خواهان، مبنی بر تشکیل یک محکمه کیفری بین المللی مستقل و دائمی، برای محاکمه و مجازات جنایتکاران بین المللی به حقیقت پیوست.

جنایاتی که در کل تاریخ بشر، بدست جنگ افروزان و متجاوزان به بشر و حقوق بشری ارتکاب می یافت و بدلیل نبود یک محکمه کیفری بین المللی و در پناه حصار خود ساخته‌ی «حاکمیت» مصون از کیفر باقی می ماندند. تاریخ نیز گواه آن است که تعقیب جنایات جنگی شامل حال جنگجویان ارتش فاتح نمی شده است. نظام های حقوقی ملی اثبات کرده اند که برای قضاوت چنین پرونده هایی نمی توانند بی طرف باشند. با تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی بی کیفری مرتکبان «فجیع ترین جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین المللی می شود»^۱، پایان یافته و جامعه بین المللی، مصمم است که به مصونیت مرتکبین «خطرترین جنایات مورد اهتمام جامعه بین المللی»^۲ یعنی جنایات نسل زدایی^۳، جنایات ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز و فرار آنها از مجازات پایان دهد.

می نمایند. آقای دکتر محمدجواد شریعت باقری در کتاب خود تحت عنوان حقوق کیفری بین المللی. همین اصطلاح را بکار برده و در زیرنویس صفحه یک کتاب «اسناد دیوان بین المللی» نشر جنگل چاپ اول، ۱۳۸۶، دلیل آن را چنین بیان می کند: «دیوان کیفری بین المللی» به این دلیل انتخاب شده است که اصطلاح انگلیسی اساسنامه International criminal court و اصطلاح فرانسوی cour pe/nale internationale و اصطلاح اسپانیولی آن Corte Pe/nal Internacional و اصطلاح عربی آن «محکمه جنائیه دولیه» است. نگارنده نیز در این نوشتار با توجه به ترجمه فارسی متن انگلیسی، فرانسوی و عربی آن اصطلاح «دیوان کیفری بین المللی» را بکار برده است.

۱- دیپاچه اساسنامه دیوان کیفری بین المللی.

۲- ماده ۵ اساسنامه.

۳- این کلمه در زبان فارسی به اشکال گوناگون نظیر: کشتار جمعی، کشتار دسته جمعی، قتل عام نژادی، نژادکشی، انهدام جمعی و نسل کشی ترجمه شده اما بنظر می رسد هیچ یک از این اصطلاحات تغییر رسانی برای مفهوم جنوسید نیستند. زیرا جنایات مورد بحث اشکال و صور متعددی دارد که همیشه با قتل قربانیان جرم ملازمه ندارد؛ نظیر نقل و انتقال اجباری اطفال متعلق به یک گروه به گروه دیگر، علاوه به لحاظ حقوقی نیز ضرورتی ندارد که این جرم علیه جمعیتی از افراد صورت گیرد. از این رو اصطلاح «نسل زدایی» مناسب تر تشخیص داده شد. این واژه ظاهراً اولین بار توسط آقای دکتر سیدعلی آزمایش بکار رفته است. نقل از آقایان بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی در زیرنویس صفحه ۱۳۷ کتاب حقوق بین الملل کیفری نوشته کریانک ساک کیتی شیابزری، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۳.

اساسنامه دیوان، در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ (۲۶ تیرماه ۱۳۷۷) در شهر رم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ کشور از مجموع ۱۶۰ کشور شرکت کننده در «کنفرانس نمایندگان تام‌الاختیار ملل متحد» رسید.

این اساسنامه، در اول ژوئیه ۲۰۰۲ (دهم تیرماه ۱۳۸۱)، با تصویب ۶۶ کشور^۴ جهان لازم‌الاجراء گردید. اساسنامه دیوان، از یک دیباچه و ۱۳ فصل که مجموعاً دارای ۱۲۸ ماده می‌باشد، تشکیل شده است.

تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی، حرکتی شگرف به سوی تحول و تکامل حقوق بین‌الملل و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی است.

مطابق اساسنامه، این دیوان با شورای امنیت سازمان ملل متحد که یک نهاد سیاسی-اجرایی است، ارتباط تنگاتنگ و ویژه‌ای دارد. شورای امنیت، در عمل مهمترین رکن سازمان ملل متحد است، چرا که وظیفه حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به این نهاد محول شده است (ماده ۳۹ منشور).

بر اساس بند (ب) ماده ۱۳ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جنایت بنظر می‌رسد ارتکاب یافته است، به موجب فصل هفتم منشور ملل متحد به دادستان ارجاع می‌نماید. هم‌چنین پس از صدور قطعنامه‌ای از سوی شورای امنیت به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد (مبنی بر درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب) هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب اساسنامه نمی‌تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد، این درخواست به موجب همان شرایط و بدون محصوربودن دفعات قابل تمدید توسط شورای امنیت می‌باشد (ماده ۱۶).

هرگاه یکی از دولتهای عضو بر خلاف مقررات اساسنامه به درخواست همکاری دیوان ترتیب اثر ندهد و بدین ترتیب دیوان را از اجرای وظایف و اختیاراتی که به موجب اساسنامه به عهده دارد، بازدارد، دیوان می‌تواند مسأله را در مجمع دولتهای عضو یا در مواردی که شورای امنیت به دیوان مراجعه کرده باشد نزد شورای امنیت مطرح نماید (بند ۷ ماده ۸۷).

۴- هرچند طبق ماده ۱۲۶ اساسنامه تصویب ۶۰ کشور برای لازم‌الاجرا شدن کافی است ولی چون ۷ کشور هم‌زمان اعلام تصویب نمودند، لذا در اول ژوئیه ۲۰۰۲ اساسنامه با تصویب ۶۶ کشور لازم‌اجرا شد.

دیوان هم‌چنین می‌تواند بر اساس توافقنامه ویژه دیگری یا هر توافق دیگری که با هر کدام از دولتهایی که عضو اساسنامه نیستند، امضاء می‌کند، آنان را برای اجرای موارد مذکور در این فصل (فصل نهم اساسنامه) دعوت به همکاری نماید (بند الف قسمت ۵ ماده ۸۷). هرگاه با وجود تنظیم توافقنامه بین دیوان و دولت غیرعضو، دولت غیرعضو از همکاری با دیوان به نحوی که در توافقنامه پیش‌بینی شده است، امتناع نماید دیوان می‌تواند موضوع را به اطلاع مجمع دولتهای عضو یا در صورتی که موضوع را شورای امنیت در مقابل دیوان مطرح کرده باشد به اطلاع شورای امنیت برساند (بند «ب» قسمت ۵ ماده ۸۷).

بعلاوه بموجب بند ۲ ماده ۵ اساسنامه، دیوان زمانی در مورد جنایت تجاوز اعمال صلاحیت خواهد کرد که مطابق مواد ۱۲۱ و ۱۲۳ مقررات مربوط به آن شامل تعریف این جنایت و تعیین شروطی که دیوان به موجب آن در خصوص این جنایت اعمال صلاحیت خواهد کرد، تصویب شده باشد. این مقررات باید هماهنگ با مقررات مربوط در منشور ملل متحد باشد.

مهمترین مقررات مربوط به این قسمت در فصل هفتم منشور ملل متحد است که شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود، یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۳ باید مبادرت شود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که اساسنامه دیوان، نقش‌های برجسته‌ای را در امور مربوط به صلاحیت دیوان، برای شورای امنیت پیش‌بینی نموده است. این تعامل و ارتباط دیوان با شورای امنیت هم می‌تواند باعث تقویت و برخورداری دیوان از قدرت اجرایی گردد و هم ممکن است در عمل مخاطرات و تردیدهایی را برای دیوان در پی داشته باشد. دیوان یک نهاد قضایی و شورا یک نهاد سیاسی است. باید دید از تعامل قضا و سیاست چه معجونی پدید خواهد آمد و چه طفلی متولد خواهد شد؟ آیا این معجون در دنیای جدید سرشار از فعالیت‌های تروریستی، جنایت‌های بین‌المللی، دیکتاتورهای جاه‌طلب، کشمکش‌های قومی و مذهبی، نسل‌زدایی، جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت تجاوز، درمان درد بشریت خواهد بود؟

آیا این طفل نوپا، در این جهان پرآشوب و مملو از جنایات بین‌المللی، توان

نوشاندن شربت شیرین عدالت را به تشنگان آن خواهد داشت، یا این شربت آلوده به زهر سیاست و برتری منافع و مصالح کشورهای قدرتمند و سلطه‌گر نخواهد شد؟ چگونه می‌توان بین عدالت و سیاست پیوند زد؟ ثمره و نتیجه این پیوند چه خواهد بود؟ آیا سیاست تاب اجرای عدالت را دارد؟ در زورآزمایی سیاست با عدالت پیروزی از آن کدام است، سیاست کینه‌جو یا عدالت مهرجو؟

بنظر میرسد هدف دیوان مبارزه با بی کیفری مرتکبان جنایات بین‌المللی است که ممکن است عدالت هم از آن ناشی بشود یا نشود. هدف نهایی مبارزه با بی کیفری اجرای عدالت نیست، بلکه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است که همانطور که در مقدمه اساسنامه دیوان گفته شده هر آن درشرف بهم خوردن است.

همه اینها سؤالات و تردیدهایی است که در ارتباط بین نهاد قضا و سیاست، ذهن اندیشمندان، حقوقدانان و عدالت‌خواهان جامعه بشری را به خود مشغول داشته است. رکنِ رکنِ هر مرجع قضایی اعم از کیفری و غیرکیفری، برخورداری از استقلال و معیار و میزان عدالت است. بدون استقلال و عدالت، نمی‌توان دم از عدالت کیفری بین‌المللی زد. اما قصد و نیت اصلی تدوین‌کنندگان منشور ملل متحد، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز و یا سایر کارهای ناقض صلح»^۱ است. برای حصول به این اهداف و برقراری آنها باید چاره‌ای اندیشید تا هم اجرای عدالت میسر گردد و هم صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتد. در اساسنامه دیوان و مقدمه آن حفظ صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از طریق اجرای عدالت کیفری.

این تحقیق درصدد است تا تعامل و ارتباط این دو نهاد را تجزیه و تحلیل نماید. نقاط قوت آنرا نمایان و نقاط ضعف آنرا هویدا نماید. با توجه به این که در سال ۲۰۱۱ در طی یک کنفرانس بازنگری، اصلاحاتی در مقررات اساسنامه دیوان صورت گرفت، بویژه این که در احراز جنایت تجاوز رابطه و شرایط اعمال صلاحیت این دو نهاد هنوز جای بحث دارد، لذا انجام کارهای تحقیقی در این خصوص می‌تواند راهگشای

تصمیم گیرندگان باشد. از طرف دیگر با دقت به این که جمهوری اسلامی ایران، اساسنامه دیوان را امضاء نموده ولی در تصویب آن، هنوز دچار تردید و دودلی است، با مشکافی مقررات اساسنامه و هدف و فلسفه تشکیل دیوان و رابطه آن با نهاد قدرتمند شورای امنیت سازمان ملل متحد، بهتر می توان درخصوص الحاق یا عدم الحاق به اساسنامه دیوان تصمیم گرفت.

از مخالفین سرسخت این دیوان، ایالات متحده آمریکا است، باید دید چه چیزی در دیوان کیفری بین المللی هست که باعث خصومت ایالات متحده آمریکا شده است؟ چه چیزی تغییر یافته که ترجیه کننده کناره گیری و حتی استرداد امضاء و ترک حمایت اولیه آمریکا از عدالت جهانی است؟

آیا بطور کلی حقوق بین الملل باید منافع دولتها و حکام را تأمین کند یا این که هدفش تأمین عدالت برای قربانیان جرایم شدید بین المللی باشد؟

هر چند حقوق بین الملل بر اساس نظر و تصمیم و توافق دولتها بوجود آمده و هدف اصلی از این مقررات حفظ صلح و ثبات و امنیت بین المللی و جلوگیری از وقوع جنگی مشابه دو جنگ جهانی است اما در سالهای اخیر حمایت از حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه نیز مورد توجه جامعه بین المللی و سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد قرار گرفته است.

سؤالات تحقیق :

علاوه بر بررسی و تبیین همه این موارد، این پژوهش بطور مشخص بدنبال پاسخگویی به دو سؤال ذیل به عنوان سؤالات اصلی است:

۱- آیا تعامل و ارتباط شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی ضروری و مفید است یا غیر ضروری و مخل؟ به عبارت دیگر آیا ارتباط این دو نهاد باعث مداخله و تحت سیطره قرار دادن نهاد قضایی، توسط نهاد سیاسی نخواهد شد؟ و النهایه استقلال قضایی دیوان را خدشه دار نمی نماید؟ آیا اصولاً تعامل یک نهاد سیاسی و یک نهاد قضایی امکان پذیر است؟

۲- محدوده و دامنه اختیارات شورای امنیت در حفظ و اعاده صلح و امنیت بین المللی تا چه حد در صلاحیت دیوان تأثیر گذار خواهد بود؟ به عبارت دیگر اعتقاد به دکترین نامحدود تلقی کردن صلاحیت و اختیارات شورای امنیت یا عدم اعتقاد به آن

چه تأثیری در صلاحیت و عملکرد دیوان خواهد داشت؟

علاوه بر این سؤالات اصلی، در این تحقیق، به طرح چند سؤال فرعی و پاسخگویی به آنها پرداخته شده است و این سؤالات فرعی عبارتند از:

۱- دیوان کیفری بین المللی چگونه می تواند مستقل، قوی و کارآمد باشد؟ استقلال دیوان چگونه تأمین خواهد شد با وابستگی به شورای امنیت یا جدایی و انفکاک کامل یا ناقص از آن؟

۲- شرایط درخواست تعلیق تحقیق یا تعقیب موضوع در دیوان، از سوی شورای امنیت چیست؟ پس از این درخواست تکلیف دیوان چیست؟ رابطه این درخواست با استقلال دیوان چگونه است؟

۳- منطبق ارجاع وضعیت کشورهای غیرعضو اساسنامه به دیوان، توسط شورای امنیت چیست؟

۴- سرنوشت جنایت تجاوز و شرایط اعمال صلاحیت دیوان و رابطه آن با شورای امنیت در احراز این جنایت چگونه خواهد بود؟

۵- در صورت عدم همکاری کشورهای عضو یا غیرعضو اساسنامه، شورای امنیت چه تصمیمی می تواند اتخاذ نماید؟ آیا عدم همکاری دولتها یا عدم اجرای احکام و تصمیمات دیوان را می توان بخطر انداختن صلح و امنیت بین المللی دانست؟

فرضیه های تحقیق:

۱- ارتباط قضایی دیوان کیفری بین المللی با شورای امنیت مفید و ضروری است و استقلال قضایی دیوان را مخدوش نمی نماید، غیر از مسأله تعلیق تحقیق یا تعقیب از سوی شورا - که آن هم تابع شرایط مندرج در اساسنامه دیوان و منشور ملل متحد است - شورا، هیچگونه کنترلی بر دیوان ندارد.

۲- شورای امنیت در اجرای وظیفه حفظ صلح و امنیت بین المللی و با توسل به دکرین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت نمی تواند، موضوعی را که مطابق اساسنامه دیوان در صلاحیت آن نیست به دیوان ارجاع دهد و یا در عملکرد دیوان مداخلات فراتر از اساسنامه رم و با استناد منشور ملل متحد انجام دهد.

روش تحقیق:

روش این تحقیق تحلیلی - توصیفی و از نوع کتابخانه ای، اینترنتی و مصاحبه ای است. نگاه پژوهش، آمیزه ای است از اصول اساسی حقوق بین الملل و حقوق بین الملل کیفری و از نوع پژوهش های دو وجهی است. تعامل و تداخل اصول حقوق کیفری و اصول حقوق بین الملل مورد امعان نظر قرار گرفته است.

اهداف تحقیق:

هدف این تحقیق، تبیین ارتباط قضایی دیوان کیفری بین المللی و شورای امنیت سازمان ملل متحد است که اولی به موجب اساسنامه و دومی به موجب منشور دارای وظایف و اختیاراتی هستند که با هم مرتبط اند. وظیفه دیوان رسیدگی به چهارجنایت مهم بین المللی است و وظیفه اولیه شورا، حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی است. رسیدگی به این جنایات توسط دیوان در مواردی با صلح و امنیت بین المللی ارتباط پیدا می کند و حفظ صلح و امنیت بین المللی می تواند از طریق اجرای عدالت کیفری محقق شود. ممکن است در مواردی هم اجرای عدالت کیفری، حفظ صلح و امنیت بین المللی را بخطر اندازد.

بررسی نقاط قوت و ضعف ارتباط بین این دو نهاد - قضایی و سیاسی - و ارائه طرق حفظ استقلال قضایی دیوان در اجرای عدالت کیفری بین المللی و انجام وظیفه شورای امنیت در حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی هدف اصلی این تحقیق است. در این تحقیق سعی شد کلیه منابعی که به زبان فارسی اعم از کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده مورد مطالعه قرار گیرد. منابع انگلیسی موضوع تا حد امکان، از نظر پنهان نمانده است. در دانشگاه های داخل سه پایان نامه در مقطع فوق لیسانس در ارتباط با موضوع تحقیق به رشته نگارش درآمده است، ولی در مقطع دکتری اثری ملاحظه نشد. اولین پایان نامه فوق لیسانس متعلق به آقای شهرام براتی است، که با عنوان صلاحیت شورای امنیت در ارتباط با دیوان کیفری بین المللی (ICC) در سال ۱۳۸۱ در دانشگاه تربیت مدرس دفاع شده است که اولین کار تحقیقی در این خصوص است. دو پایان نامه فوق لیسانس دیگر بعد از این پایان نامه، دفاع شده است، اما این دو اثر در حقیقت برگرفته شده از همان اثر فوق الذکراند. یکی پایان نامه آقای روح الله خلیل خلیلی با عنوان اختیارات شورای امنیت نسبت به صلاحیت دادگاه کیفری بین المللی، که در سال

۱۳۸۵ در دانشگاه امام صادق (ع) دفاع گردیده است. دیگری متعلق به آقای عبدالله خاتمی فر است با عنوان رابطه دادگاه کیفری بین المللی با شورای امنیت با تاکید بر قضیه دارفور سودان و در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دفاع شده است.

آثار ترجمه شده به زبان فارسی و نیز آثار منتشره به زبان انگلیسی از آقای آنتونیو کاسسه، حقوقدان برجسته بین المللی، در این تحقیق بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. ارزش آثار ایشان به این علت است که وی استاد حقوق بین الملل در دانشگاه فلورانس، عضو موسسه حقوق بین الملل و اولین رئیس دادگاه کیفری بین المللی سازمان ملل برای یوگسلاوی سابق (از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷) است. بعلاوه دبیر کل سازمان ملل متحد او را در سال ۲۰۰۴ به عنوان رئیس کمیسیون بین المللی تحقیق در مورد دارفور منصوب کرد. تحصیلات آکادمیک و تجارب جهانی بی نظیر وی در عرصه نظری و عملی در حقوق کیفری بین المللی، ارزش آثار ایشان را بهتر روشن می کند. اهمیت آثار این مؤلف در آن است که از نقد مقررات و عملکرد ها و اظهارنظر های بدیع و راه گشاینده در تحقیق غنی هستند. کتابهای وی که به فارسی ترجمه شده، بکرات در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند. کتابهایی نظیر: حقوق بین المللی در جهانی نامتحد و نقش زور در روابط بین الملل هر دو ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان، حقوق کیفری بین المللی، ترجمه ی حسین پیران - اردشیر امیر ارجمند و زهرا موسوی، حقوق بین الملل ترجمه ی دکتر حسین شریفی طراز کوهی. همچنین از این نویسنده و تحت نظر وی مجموعه دو جلدی مقالات ارزشمندی به زبان انگلیسی، به همراه دو حقوقدان دیگر بنام پائولا جانتا و جان، آر. دبلیو، دی، جونز توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد در سال ۲۰۰۲ منتشر شده که در این تحقیق استفاده کافی از آن برده شده است. نام کامل این مجموعه به شرح ذیل است:

The Rome Statute of The International Criminal Court: Comentary

کتاب معتبر دیگر، حقوق بین المللی کیفری، پروفیسور کریانک ساک کیتی شیایزی، ترجمه آقایان بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی است. این کتاب، یکی از کتب معتبر در رشته حقوق بین المللی کیفری است. مؤلف آن، در دانشگاههای معتبر به تدریس این رشته حقوقی می پردازد.

از کتاب وزین مقدمه ای بر دیوان کیفری بین المللی، ویلیام ا. شیت، ترجمه ی دکتر سیدباقر میرعباسی و حمید الهوتی نظری در این تحقیق بهره کافی برده شده است.

کتاب حقوق بین المللی کیفری دکتر رضا فیوضی، کتاب بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت آقای محمد شریف، کتاب دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران منتشره به اهتمام اسحاق آل حبیب و آثار آقای دکتر حسین میرمحمد صادقی، دکتر محمد جواد شریعت باقری، دکتر جمشید ممتاز، دکتر هدایت الله فلسفی، دکتر ابراهیم بیگ زاده و دکتر سیدقاسم زمانی در این تحقیق به کرات مورد بهره برداری و استناد واقع شده اند.

اشاره به کتاب کوچک ولی غنی، مجموعه مقالات همایش سازمان ملل متحد و مقابله با پی کیفری انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد، در این خصوص خالی از لطف نیست.

همچنین از کتب و مقالات متعدد از نویسندگان داخلی و خارجی و منابع اینترنتی و مصاحبه های حضوری استفاده و استناد شده است.

در نهایت ناسپاسی است که ذکر نشود، این تحقیق بدون راهنمایی و هدایت محققانه جناب آقای دکتر محمدعلی مهدوی ثابت و ارشاد دلسوزانه و صمیمانه و باریک بینی و تذکر نکات ظریف حقوقی و نظم بخشی اندیشه حقوقی از سوی جناب آقای دکتر سیدعلی آزمایش و مساعدت مشفقانه و راهنمایی های استادانه آقایان دکتر حسین میرمحمد صادقی، دکتر مهران محمودی در تذکر نکات فنی و ساختاری و ماهیتی امکانپذیر نبود.

این تحقیق به دو فصل کلی که یکی ناظر به تعامل این دو نهاد در امر قضا و دیگری ناظر به ارزیابی آثار این تعامل در استقلال مرجع قضایی است، تقسیم بندی شده است.

پس از مقدمه در کلیات، سیر و سابقه موضوع را در تاریخ و محاکمات کیفری بین المللی قبلی و نیز نقش سازمان ملل متحد در تشکیل دیوان و نقش شورای امنیت در ایجاد محاکم کیفری بین المللی و دیوان کیفری بین المللی بررسی می نماید. در فصل نخست به تعامل شورای امنیت و دیوان کیفری بین المللی در امر قضا می پردازد و موضوعات ارجاع وضعیت و تعلیق تحقیق یا تعقیب از سوی شورا مورد ارزیابی قرار

گرفته است.

در فصل دوم آثار و پیامدهای تعامل شورای امنیت و دیوان در استقلال قضایی دیوان مورد بررسی قرار گرفته است. نگارنده در این تحقیق علاوه بر پرداختن به آنچه که هست، آنچه را که باید باشد نیز مورد توجه قرار داده و پیشنهادهایی درخصوص ارتباط سازنده این دو نهاد ارائه شده و در نهایت نیز یک نتیجه گیری از کل مباحث مطروحه بعمل آمده است.

www.ketab.ir